



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هشتم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۴

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 8, No. 3, Autumn 2025



بررسی و تحلیل نظام اخلاقی صائب تبریزی و دلالت‌های آموزشی- تربیتی آن

فاطمه بیدختی* | راضیه سیروسی القار** | فاطمه ملاحسنی***

doi 10.22034/ethics.2025.52227.1833

چکیده

هدف این پژوهش کیفی بنیادی-کاربردی، استخراج نظام‌مند ساختار اخلاقی مد نظر صائب تبریزی و تبیین دقیق دلالت‌های آموزشی و کاربردی آن است. این تبیین بر اساس مُدلی تلفیقی از اصول تربیت اسلامی (مراحل تخلیه، تحلیل، تجلی) و نظریه‌های روان‌شناسی یادگیری نوین صورت گرفت. سؤال اصلی پژوهش، سازماندهی نظام اخلاقی صائب در قالب ساختار و مقولات قابل استخراج و نیز تبیین دلالت‌های آموزشی و کاربردی کامل آن بر اساس مُدل تلفیقی ذکر شده بود. برای پاسخ به این سؤال، مضامین اخلاقی از طریق تحلیل محتوای کیفی و با روش نمونه‌گیری هدفمند از کتاب «دویست و یک غزل صائب» استخراج شد. نتایج، ساختاری سلسله‌مراتبی و روشمند شامل چهار مقوله اصلی را آشکار ساخت: مبانی تهذیب نفس، بصیرت و فضایل باطنی، تجلی سلوک در رفتار، و ثبات قدم اخلاقی. این ساختار ریشه در اخلاق فضیلت اسلامی و غایت‌گرا دارد. تحلیل بسامد نشان داد که مرحله زیرساختی تهذیب نفس (تخلیه) با بالاترین فراوانی، بیانگر تقدم اصلاح ملکات درونی بر گُش بیرونی و ماهیت تهذیبی این نظام است. تطبیق این ساختار یکپارچه بر نظریه‌هایی چون خودنظم‌دهی، خودکارآمدی و انگیزه درونی، به استخراج دلالت‌های دقیق آموزشی-تربیتی انجامید که مبنایی مطمئن برای بهره‌گیری از ادبیات کهن در ارائه یک الگوی نوین تربیت اخلاقی تلفیقی فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها

صائب تبریزی، نظام اخلاقی، تربیت اسلامی، نظریه‌های یادگیری، تحلیل محتوای کیفی.

* استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. f.bidokhti@cfu.ac.ir

** استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) r.sirousi@cfu.ac.ir

*** استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. f.molahasani@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

■ بیدختی، فاطمه؛ سیروسی القار، راضیه؛ ملاحسنی، فاطمه. (۱۴۰۴). تحلیل محتوای کیفی نظام اخلاقی صائب تبریزی و دلالت‌های آموزشی- تربیتی آن. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۸(۲۸)، ۱۱۳-۱۴۲. doi: 10.22034/ethics.2025.52227.1833

مقدمه

ادبیات فارسی در طول تاریخ خود، نه تنها عرصه تخیل و زیبایی‌شناسی بوده، بلکه بستری ژرف برای انتقال مفاهیم اخلاقی، عرفانی و تربیتی نیز به شمار آمده است. در تداوم این سنت، صائب تبریزی - شاعر برجسته قرن یازدهم هجری و از پیشگامان سبک هندی - با بهره‌گیری از تجربه‌های اجتماعی و باورهای دینی عصر صفوی، نظامی اخلاقی و تربیتی در شعر فارسی بنیان نهاد که تا امروز واجد ارزش‌های تربیتی عمیقی است (صفا، ۱۳۱۹، ص ۱۲۷۲). سبک هندی که از سده یازدهم تا حدود نیمه سده دوازدهم ادامه یافت، بر اساس نازک‌خیالی، پیچیدگی معنایی و مضمون‌گرایی استوار است (غلامرضایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸). در این دوره، شعر بیش از آنکه بیان احساس باشد، عرصه تأمل و اندیشه شد و صائب تبریزی توانست با زبانی صمیمی و در عین حال اندیشه‌ورز، میان شعر، اخلاق و عرفان پیوندی زنده برقرار سازد (حسن‌پورآلشتی، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

درون مایه اصلی شعر صائب، تأملی فلسفی و اخلاقی در باب زندگی، انسان و جهان است؛ از این رو، او نه تنها شاعر خیال، بلکه آموزگار زندگی است. دیوان او با بیش از دویست هزار بیت (صفا، ۱۳۱۹، ص ۱۲۷۷)، گنجینه‌ای از اندیشه‌های اخلاقی، عرفانی و اجتماعی است که در آن مفاهیمی چون قناعت، توکل، گذشت، انصاف، صداقت و خویشتن‌داری بارها بازتاب یافته است؛ به طوری که بسیاری از اشعار او سرشار از نکات اخلاقی، معرفتی و تربیتی است که می‌توان آنها را به منزله متن‌های تعلیمی تحلیل کرد (قهرمان، ۱۳۸۹، ص ۱۳). از نظر سبک‌شناختی، صائب با بهره‌گیری از آرایه ارسال مثل، شعر خود را به مجموعه‌ای از حکم و اندرز بدل ساخته است؛ چنانکه بسیاری از ابیاتش بعدها در زبان فارسی به صورت ضرب‌المثل رواج یافتند، که این ویژگی نشانگر جنبه تعلیمی و اجتماعی قوی شعر اوست (صبور، ۱۳۸۴، ص ۴۵۴).

با وجود پژوهش‌های ارزشمندی که درباره سبک هندی و جایگاه صائب صورت گرفته، مطالعات متعددی بر محور شرح حالات و مقامات عرفانی و فکری متمرکز بوده‌اند؛ از جمله می‌توان به مقاله «مضامین عرفانی در غزلیات صائب» (فقیهی و نظری نوکنده، ۱۳۸۷) و «سیری در مضامین عرفانی اشعار صائب» (اسداللهی، ۱۳۸۸) اشاره کرد. همچنین، مقالاتی چون «اتحاد و همدلی در اشعار صائب تبریزی» (فقیهی و جوادی، ۱۳۹۱) و «بازتاب تعلیمی مثل‌ها در دیوان صائب تبریزی» (طهماسبی و جبارپور، ۱۳۹۳)، اگر چه وجود مضامین اخلاقی و تربیتی را تأیید و شرح داده‌اند، اما همگی در رویکردی توصیفی متوقف مانده و از جنبه ساختارمند و تحلیلی مضامین برای تدوین نظام اخلاقی او غفلت کرده‌اند. این خلأ پژوهشی موجب گردید پژوهش حاضر با هدف تحلیل مضامین اخلاقی، و استخراج ساختار نظام اخلاقی شعر صائب صورت پذیرد.



۱۱۴

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هشتم

شماره سوم

پاییز ۱۴۰۴

نظام اخلاقی صائب، نظامی تهذیبی و غایت‌گرا است که ریشه در سنت عرفانی اسلامی (با مراحل سه‌گانه تخلیه، تحلیه و تجلی) دارد. نظام‌های اخلاقی غایت‌گرا معیار درستی عمل را در هدف یا غایت آن جست‌وجو می‌کنند و در تقابل با نظام‌های وظیفه‌گرا قرار می‌گیرند.

مکاتب وظیفه‌گرا، نظیر اخلاق کانتی، بر قانون اخلاقی و استقلال اراده عقلانی تمرکز دارند و ارزش اخلاقی عمل را صرفاً وابسته به انجام آن بر اساس وظیفه می‌دانند نه دلایل خودگرایانه یا غایت‌گرایانه. کانت ارزش انسان را در غایت‌مندی ذاتی او به‌عنوان موجودی عاقل و خودمختار (غایت فی نفسه) می‌داند (کانت، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵-۱۶۶)، و تمرکز نظریه او بر استقلال اراده عقلانی و انجام عمل بر اساس وظیفه است (هینمن، ۱۳۹۸، ص ۳۴۲)، اما این رویکرد مطلق‌گرایانه و عقل‌گرایی رادیکال کانت، از منظر مبانی اخلاق اسلامی چالش‌برانگیز و آماج نقد است (خوانساری، ۱۴۰۱، ص ۷۳)، البته، در درون نظام‌های غایت‌گرا نیز تمایز وجود دارد؛ همان‌طور که در

طبقه‌بندی‌های رایج فلسفه اخلاق دیده می‌شود، نتیجه‌گرایی که صرفاً بر نتایج بیرونی عمل متمرکز است، تنها یکی از زیرمجموعه‌های غایت‌گرایی است (فرانکنا، ۱۳۹۸، ص ۴۱). نظام صائب در دسته غایت‌گرایی فاعل‌محور و مبتنی بر اخلاق فضیلت قرار می‌گیرد که بر کمال درونی و فضایل فاعل اخلاقی تأکید می‌ورزد. این ساختار، یک روش‌شناسی سلوکی و سلسله‌مراتبی است که در آن فضیلت و ماهیت فاعل اخلاقی بر درستی صرف عمل مقدم دانسته می‌شود و به این ترتیب، در تقابل بنیادین با هر دو مکتب عمل‌محور (وظیفه‌گرایی و پیامدگرایی) قرار می‌گیرد. در مقابل این مکاتب، اخلاق فضیلت از زاویه‌ای کاملاً متفاوت به اخلاق نگاه می‌کند که ما را از فعل اخلاقی به منش اخلاقی سوق می‌دهد. فضایل اخلاقی، مزیت‌های انسان هستند که ذات او را شکوفا می‌کنند و حدّ وسط‌میان افراط و تفریط به حساب می‌آیند (هینمن، ۱۳۹۸، ص ۵۴۶-۵۴۷). برخی معتقدند دیدگاه قرآن نیز با محور قرار دادن قلب و روح در برابر افعال ظاهری، و با تأیید رویکرد فضیلت‌محور، فاعل‌محور و فاعل‌مقدم، مؤید این جایگاه نظری برای اخلاق فضیلت در اندیشه اسلامی است (میرصانع و صادقی، ۱۳۹۸، ص ۴۱). در این میان، نظام اخلاقی صائب در تبیین فضایل، بر اساس منطق تَقَرُّبِ اِلَى اللّٰهِ و نیازهای مسیر کمال، به سمت انتخاب فضایل خاص حرکت می‌کند. این نظام‌مندی دقیقاً پاسخ می‌دهد که چرا فضایل دیگری انتخاب نشده‌اند؛ زیرا فضایل مقوله تخلیه (مانند قناعت و تواضع) به‌عنوان شرط لازم و زیربنای خودنظم‌دهی درونی عمل می‌کنند تا عمل نیک (تجلی) بر زیربنای مستحکم بنا شود. لذا، ساختار بر تقدم اصلاح ماهیت درونی بر عمل بیرونی، و غایت آن بر فناء فی الله استوار است و تثبیت می‌کند که دسته‌بندی



یافته‌ها نه تصادفی، بلکه برآمده از یک منطق درونی قوی در جهت غایت‌گرایی فاعل محور است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که مضامین اخلاقی در اشعار صائب تبریزی چگونه سازمان می‌یابند و با بهره‌گیری از یک رویکرد تلفیقی، ساختار و نظام اخلاقی او از چه ابعاد و عناصری تشکیل شده است؟ هدف این مقاله، طبقه‌بندی نظام‌مند مضامین اخلاقی، تحلیل ساختار نظام اخلاقی او بر پایه اصول تربیت اسلامی (با تمرکز بر مراحل تخلیه، تحلیل و تجلی)، و استخراج دلالت‌های آموزشی و کاربردی آن در حوزه تربیت اخلاقی است. اهمیت این پژوهش در آن است که با رویکردی میان‌رشته‌ای، پیوند میان ادبیات، اخلاق و نظام تربیتی را بازتعریف می‌کند و می‌کوشد با این رویکرد تلفیقی نشان دهد که اندیشه اخلاقی صائب، بر مبنای عقل، تجربه و ایمان استوار است و می‌تواند در بازخوانی و تدوین ساختار ارزش‌های اخلاقی معاصر نقشی سازنده ایفا کند.

پژوهش از نظر هدف، بنیادی-کاربردی و از نظر اجرا کیفی است. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد تا ساختار پنهان نظام اخلاقی صائب استخراج و تبیین شود. جامعه آماری، کل دیوان صائب تبریزی (حدود ۷۴ هزار بیت) بود. داده‌ها از کتاب دویست و یک غزل صائب (صبور، ۱۳۸۴) که با نمونه‌گیری هدفمند برای دستیابی به اشباع نظری انتخاب شد، استخراج شد. تحلیل بر چارچوب تلفیقی نوآورانه استوار شد که مراحل تهذیب نفس در تربیت اسلامی (تخلیه، تحلیل، تجلی) را به عنوان شالوده، با اصول نظریه یادگیری می‌کند. این مدل تلفیقی با تکیه بر کتاب «مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری» مبنا قرار گرفت (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۴۱). انتخاب این کتاب به دلیل ماهیت مرجع و جامعیت آن در ارائه یک نمای کلی از مکاتب مختلف یادگیری است؛ این ویژگی امکان آن را فراهم می‌آورد تا اصول نظریه‌های نوین (از جمله نظریه بندورا) با دقت و در چشم‌انداز تاریخی و مقایسه‌ای مناسب در مدل تربیتی اسلامی گنجانده شود و ابعاد تربیتی استخراج‌شده از شعر صائب به نحو کاربردی تبیین گردند. فرآیند تحلیل داده‌ها در سه مرحله اصلی: گذرانداری باز (تقلیل مفاهیم)، گذرانداری محوری (سازماندهی مقوله‌ها در ارتباط با مراحل تهذیب) و گذرانداری انتخابی (تدوین چهار مقوله اصلی نظام اخلاقی) انجام گرفت. کیفیت یافته‌ها نیز با معیارهای اعتبار، قابلیت انتقال و تأییدپذیری تضمین شد.

یافته‌های پژوهش

مقوله اول: مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس (تخلیه)

مقوله محوری مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس، با اختصاص بالاترین سهم فراوانی (۳۴.۳۰ درصد از کل مضامین اخلاقی)، دربرگیرنده چهار کد فرعی است که همگی بر لزوم آمادگی درونی و مدیریت امیال نفسانی به عنوان پیش شرط هر گونه رشد و کمال تمرکز دارند. این مقوله در واقع، به مرحله تخلیه و پاک سازی درونی می پردازد. سالک باید ابتدا خود را از رذایل اخلاقی پاک کند تا زمینه رشد فضایل (تحلیه) در او ایجاد شود.

مقوله محوری (کد اصلی)	کد فرعی (هدف اصلی)	مضامین عرفانی کلیدی	بسامد خام (تکرار)	درصد از کل مضامین اخلاقی
جمع کل مقوله ۱	-	-	۵۹	۳۴.۳۰٪
مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس	۱.۱. تواضع و فروتنی	افتادگی، خاکی بودن، ستایش بی ادعایی، نکوهش تکبر، نکوهش نازش به آزادگی، غرور ناشی از هواداران زیاد.	۱۰	۵.۸۱٪
مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس	۱.۲. قناعت و آزادگی	قناعت، فقر، نکوهش حرص، نکوهش آرزوهای طولانی، ترک آرزو ارزش درونی، نکوهش منت کشی، نکوهش غم روزی خوردن، تمجید آزادگی، آزادگی و رهایی از قید هستی.	۲۵	۱۴.۵۳٪
مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس	۱.۳. پشتکار و دوری از تن پروری	نکوهش تن آسانی، نکوهش تن پروری، ستایش صبح و سحرخیزی، پشیمانی از غفلت، زیستن با هشیاری، بی علاقگی، ترک دلبستگی، پشتکار، راهگشای سختی.	۱۴	۸.۱۴٪
مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس	۱.۴. مراقبت نفس	رازداری و کم سخنی، خودداری، ستایش وقار، نازک طبعی، محتاط بودن، نکوهش دل آسودگی و عزلت، خاموشی، سکوت، لزوم سکوت عارفانه، سفارش به تأنی. توصیه به درنگ و تأمل.	۱۰	۵.۸۱٪



۱.۱. تواضع و فروتنی

این کد فرعی، با سهم تقریبی ۵.۸۱ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۰ مورد تکرار)، یکی از مبانی اساسی اخلاقی در نگاه صائب است. یافته‌ها به‌وضوح بر اهمیت حذف خودبینی و خودبزرگ‌بینی تأکید می‌کنند. مضامینی چون افتادگی و خاکی بودن، نشان می‌دهند که سالک برای آغاز سفر باید متواضع و بی‌ادعا باشد. نکوهش نازیدن به آزادگی و اشاره به خطر غرور ناشی از کثرت هواداران، بیانگر این است که تواضع نه صرفاً یک رفتار، بلکه یک بصیرت وجودی است که مانع از توقف در مسیر می‌شود. این مفهوم در ابیات زیر، ابعاد انگیزشی و هشداردهی خود را آشکار می‌سازد:

شبنم به آفتاب رسید از فتادگی / بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۲).

مضمون رسیدن شبنم به آفتاب در این بیت، بر رابطه مستقیم افتادگی و اعتلا تأکید می‌کند. شاعر معتقد است که بخار شدن شبنم و رسیدن آن به آفتاب، ناشی از افتادگی آن است. این بیت نشان می‌دهد که انسان می‌تواند با تواضع و رها شدن از سنگینی نفس، از خاک به افلاک برسد و رمز هر گونه صعود، سبک‌باری و قناعت است.

حُسن سرکش، کافر از جوش هواداران شود / دارد از هر طوق قمری، سرو زناری جدا (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

این بیت به جنبه هشداردهنده و اجتماعی تواضع می‌پردازد. شاعر نتیجه می‌گیرد که اقبال و هواداری بیش‌ازحد مردم، سبب غرور و کفر در فرد جاه‌طلب می‌شود. این بیت هشدار می‌دهد که محیط و اطرافیان نباید غرور کسی را تحریک کنند تا حسن ذاتی‌اش تباه نشود.

۲.۱. قناعت و آزادگی

با سهم تقریبی ۱۴.۵۳ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۲۵ مورد تکرار)، پربسامدترین محوری‌ترین بخش در مرحله تخلیه است. این کد فرعی بر استقلال باطنی و پیروی نکردن از حرص و طمع دلالت دارد. مفهوم قناعت و در مقابل، نکوهش شدید حرص، بیانگر این است که فقر و فاقه نه به معنای بی‌پولی، بلکه به معنای استغنا و بی‌نیازی از تعلقات دنیوی است. ترک آرزوهای طولانی و نکوهش منت‌کشی و غم‌روزی خوردن، نشان می‌دهد که تمرکز باید بر

بی‌نیازی درونی باشد.

نمونه‌های زیر، ابعاد مختلف این قناعت و آزادگی را تبیین کرده‌اند:

جز گوشه قناعت ازین خاکدان مگیر / غیر از کنار هیچ ز اهل جهان مگیر (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶).

شاعر در این بیت، سالک را به گوشه‌گیری و قناعت فرامی‌خواند و تأکید می‌کند که در این دنیای خاکی، تنها باید به گوشه قناعت بسنده کرد و هیچ انتظاری از مردم دنیا نداشت. این حکم بر لزوم بی‌نیازی به تأیید یا کمک دیگران دلالت دارد.

گر به شاهان جهان مسند عزت دادند / گوشه‌ای هم به من از ملک قناعت دادند (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

این بیت در تحسین و ارزش‌گذاری قناعت است. این مقایسه نشان می‌دهد که قناعت نه یک ضعف یا کمبود، بلکه عزتی درونی و حقیقی است که فرد را از نیاز به قدرت‌ها و داشته‌های دنیوی بی‌نیاز می‌کند.

فغان که ساغر زرین بی‌نیازی را / گرسنه‌چشمی ما کاسه‌گذاری کرد (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶).

این بیت، تأثیر ویرانگر حرص را نشان می‌دهد. شاعر می‌گوید اصالت فطرت انسان، بر بی‌نیازی و استغنا قرار گرفته است، اما حرص و طمع، این ظرفیت ارزشمند را به کاسه‌گذاری تبدیل کرده است. این بیت بر این حقیقت تأکید دارد که حرص، عزت و جود انسان را به دریوزگی و گدایی تبدیل می‌کند.

غم‌روزی و توکل نشود با هم جمع / بستن توشه درین ره به کمر زتارست (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۷۷).

این بیت به بُعد اعتقادی قناعت می‌پردازد. شاعر بیان می‌کند که نگرانی دائمی برای روزی (غم‌روزی) با توکل به خدا قابل جمع نیستند. از نظر او، شکوه از روزی و بستن توشه به کمر، در مسیر توکل، حکم کافر شدن (زتار بستن) را دارد. این مضمون به سالک اطمینان می‌دهد که باید با توکل کامل، نگرانی روزی را کنار بگذارد.

۳.۱. پشتکار و دوری از تن‌پروری

این کد، با سهم تقریبی ۸.۱۴ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۴ مورد تکرار)، بر لزوم ممارست عملی در سلوک تأکید دارد. تحلیل این مضامین اهمیت پشتکار و سخت‌کوشی



درونی را نشان می‌دهد. توجه به مفاهیمی چون نکوهش تن آسایی و تن‌پروری در کنار ستایش صبح و سحرخیزی، بر لزوم ممارست عملی تأکید دارند. هشیاری و دوری از خواب غفلت و پشیمانی از غفلت، نشان‌دهنده یک زیست آگاهانه و هدفمند است.

مایه اشک ندامت گشت و آه آتشین / هر چه از تن‌پروری بر جسم افزودم چو شمع (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳).
این بیت اعتراف می‌کند که افراط در لذت‌های مادی و رسیدگی بیش از حد به جسم، در نهایت هیچ نتیجه‌ای جز پشیمانی شدید و حسرت سوزناک در پی نداشته است. شاعر با تشبیه خود به شمع، اشاره می‌کند که تمام آن آسایش‌های جسمی، تبدیل به اشک ندامت شده‌اند.

چند پرسى صائب احوال پریشان مرا / مدت بیداریم در خواب ظلمانی گذشت (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴).
در این بیت، شاعر به خود خطاب کرده و می‌گوید تمام عمر گرانمایی که باید در آن بیدار می‌بود، صرف غفلت، جهل و بی‌خبری (خواب تاریک) شده است. این بیت بیانگر حسرت عمیق از هدر دادن فرصت زندگی در مسیر ناآگاهی است.

۴.۱. مراقبت نفس

این کد، با سهم تقریبی ۵.۸۱ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۰ مورد تکرار)، به مدیریت ظواهر و کنترل درونی (به‌ویژه سکوت و رازداری) می‌پردازد. این کد، به مدیریت ظواهر و کنترل درونی می‌پردازد. تأکید بر رازداری و کم‌سخنی، و ستایش وقار و خودداری، نشان می‌دهد که سالک باید از افراط در بروز حالات و هیجانات جلوگیری کند. حجم قابل توجهی از مضامین مربوط به خاموشی و سکوت در این بخش، بر اهمیت نظم درونی و فکر کردن پیش از گفتن تأکید دارد.

هر چند چون صدف ز گهر سینه‌ام پُر است / توان به تیغ ساختن از هم جدا لبم (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳).
این بیت بر اهمیت سکوت تأکید دارد؛ هر چند مثل صدف که پر از مروارید است، سینه من هم مالا مال حرف‌های ارزشمند است، سکوت پیشه کرده‌ام و با بستن دهانم، مانع فاش شدن اسرار می‌شوم و گوهر وجودی خود را حفظ می‌کنم.

بر لب بام خطر توان به خواب امن رفت / ایمنی خواهی، ز اوج اعتبار اندیشه کن (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۹).

در هنگام موفقیت، اگر می‌خواهی از مخاطرات در امان باشی، هشیار باش. ایمنی و آرامش واقعی زمانی حاصل می‌شود که حتی در اوج موفقیت و اعتبار نیز از خواب غفلت بیدار باشیم و به‌جای تکیه بر جایگاه بیرونی، از خطرات آن آگاه شویم.

مقوله دوم، بصیرت و فضایل باطنی (تحلیه)

مقوله دوم، بصیرت و فضایل باطنی، با اختصاص سهم تقریبی ۳۳.۷۲ درصد از کل مضامین اخلاقی (۵۸ مورد تکرار)، بر توانمندی‌های شناختی، روحی و ملکات درونی سالک تمرکز دارد و نمایانگر مرحله تحلیه یا آراستن نفس به صفات و بینش‌های ضروری برای طی مسیر سلوک است. این فضایل، پس از مرحله پاکسازی (تخلیه)، کسب و درونی می‌شوند.



۱۲۱

بررسی و تحلیل نظام اخلاقی صاحب تبری و دلالت‌های آموزشی - تربیتی آن

مقوله محوری (کد اصلی)	کد فرعی (هدف اصلی)	مضامین عرفانی کلیدی	بسامد خام (تکرار)	درصد از کل مضامین اخلاقی
جمع کل مقوله ۲	-	-	۵۸	٪ ۳۳.۷۲
بصیرت و فضایل باطنی	۲.۱. طهارت باطن و پرهیزکاری	حیا، پاک‌دامنی، تمجید چشم پاک بودن، صیقل دادن دل، صفای دل، زیبایی درونی.	۲۳	٪ ۱۳.۳۷
بصیرت و فضایل باطنی	۲.۲. تعالی جویی و بصیرت	جست‌وجوی اصل الهی خویش، تمجید روشنگری، تفکر رمز تعالی، چشم بصیرت داشتن، نگوشتن، بی‌عشق بودن.	۱۹	٪ ۱۱.۰۵
بصیرت و فضایل باطنی	۲.۳. پایداری و ثبات روحی	تمجید تحمل و صبر، صبر و تحمل، صبور بودن، وفاداری.	۱۶	٪ ۹.۳۰

۱.۲. طهارت باطن و پرهیزکاری

این کد، ۱۳.۳۷ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۲۳ مورد تکرار)، پربسامدترین کد فرعی در مرحله «تحلیه» به حساب می‌آید. این مضامین بر لزوم پاکی و سلامت درونی به‌عنوان شرط

اصلی دستیابی به حقایق تأکید دارند. مفاهیمی چون حیا، پاکدامنی و تمجید چشم پاک بودن، نه تنها به رفتار ظاهری، بلکه به پالایش حواس و قلب اشاره دارند. هدف نهایی این پرهیزکاری، صیقل دادن دل و دستیابی به صفای باطن و زیبایی درونی است. این پاکی باطن در ابیات زیر، نتایج درونی و اخلاقی خود را نشان می‌دهد:

چشمی که درو آب حیا پرده‌نشین است / از پوست برون زود چو بادام‌تر آید (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

این بیت به نتیجه بیرونی حیا درونی اشاره دارد. شاعر بیان می‌کند انسانی که حیا در چشمش جای دارد، به دلیل رقت و سلامت قلب، احوالات درونی و اسرارش به سادگی و سرعت از چهره‌اش آشکار می‌شود. این تمثیل نشان می‌دهد که حیا، پرده‌ای است که شفافیت و صداقت درونی را فاش می‌سازد.

از امتیاز دست چو آینه شسته‌ام / با خوب و زشت صاف‌دم از صفای خویش (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵).

این بیت بر بی‌طرفی، صداقت و خلوص درونی (صفای دل) تأکید دارد. شاعر دل خود را به آینه تشبیه می‌کند که با صفای کامل، میان زشت و زیبا فرقی نمی‌گذارد. «از امتیاز دست شستن» به معنای رها شدن از قضاوت‌ها و تعلقات شخصی است. در نتیجه، سالک به چنان پاکی درونی رسیده است که می‌تواند با تمام مردم، اعم از خوب و بد، صادقانه و بدون پیش‌داوری برخورد کند.

۲.۲. تعالی جویی و بصیرت

این کد، با ۱۱.۰۵ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۹ مورد تکرار)، بر اهمیت دیدگاه روشن و هدفمند تأکید می‌کند. یافته‌ها بر اهمیت دیدگاه روشن و هدفمند تأکید می‌کنند. جست‌وجوی اصل الهی خویش، جوهره این هدف جویی است و تأکید بر تمجید روشنگری و نقش تفکر رمز تعالی، نشان‌دهنده ارزش والای تفکر عمیق و بصیرت‌آمیز است. اشاره به چشم بصیرت داشتن در مقابل نكوهش بی‌عشق بودن، نشان می‌دهد که معرفت صرفاً یک فعالیت عقلی نیست، بلکه باید با نیروی محرکه عشق همراه باشد تا به روشنگری بیانجامد. این رویکرد هدفمند و بصیرت‌آمیز در ابیات زیر منعکس شده است:

صائب نشان به عالم خویشم نمی‌دهد / چندان که می‌کنم ز کسان جست‌وجوی خویش (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۷).

این بیت، منبع حقیقی شناخت و هدف را در درون فرد قرار می‌دهد. شاعر با تأسف بیان می‌کند که

حقیقت و «خویشتنِ اصیل» در بیرون و نزد دیگران یافت نمی‌شود. این امر سالک را ناچار می‌کند که به درون خویش بازگردد و هدف اصلی (حقیقت الهی) را در «خود دل» جست‌وجو کند.

افسرندگان چو سنگ نشانند خرج راه / پای به خواب رفته به منزل نمی‌رود (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰).

این بیت بر لزوم پویایی، شور عشق و پرهیز از بی‌هدفی تأکید دارد. «افسرندگان» (فاقد شور عشق و اشتیاق) به سنگ نشانی تشبیه شده‌اند که ساکن و بی‌حرکت‌اند. همچنین، پای به خواب رفته نیز قادر به رسیدن به مقصد (منزل) نیست. این مضمون تأکید می‌کند که هدف‌جویی موفق نیازمند اشتیاق درونی و حرکت مستمر است.

۳.۲. پایداری و ثبات روحی

این مضامین با ۹.۳۰ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۶ مورد تکرار)، بر لزوم استحکام و ثبات قدم در مسیر تربیت اخلاقی دلالت دارند. این مضامین بر لزوم استحکام و ثبات قدم در مسیر تربیت اخلاقی دلالت دارند. تمجید فراوان تحمل و صبر نشان می‌دهد که سلوک، نیازمند تاب‌آوری دائمی است. افزون بر صبر در برابر سختی‌ها، مفهوم وفاداری، بر لزوم تعهد درونی به اصول و آرمان‌های طی طریق تأکید می‌کند که ضامن ثبات روحی سالک است. به طور کلی، این مقوله نشان می‌دهد که پیشرفت درونی، مستلزم طهارت کامل نفس برای دستیابی به بصیرت هدفمند است و حفظ این دستاوردها تنها از طریق پایداری و وفاداری به اصول حاصل می‌شود. این مفاهیم کلیدی در ابیات زیر تبیین شده‌اند:

می‌شود دشمن سرکش به تحمل مغلوب / خاک در کشتن آتش به از آب است اینجا (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

این بیت، قدرت صبر و تواضع را بیان می‌کند. شاعر می‌گوید که دشمن سرکش را می‌توان با تحمل و بردباری مغلوب کرد. او این روش را با تمثیلی حکیمانه مقایسه می‌کند: خاک بودن و تواضع، در خاموش کردن آتش دشمنی، مؤثرتر از آب که نماد درگیری و مواجهه مستقیم است، عمل می‌کند. این بیت بر لزوم پایداری توأم با فروتنی برای غلبه بر مشکلات تأکید دارد.

صائب نبسته است کسی پای سیرِ من / زندان شده است بندِ گران وفا مرا (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۵۱).

این بیت، وفاداری را نه یک اجبار بیرونی، بلکه انتخابی آگاهانه و ستودنی معرفی می‌کند. شاعر بیان می‌کند که تنها چیزی که او را مقید کرده است، وفاداری به دوست یا اصول خود است. زندان



۱۲۳

وفا نشان‌دهنده قدرت و استواری درونی است، یعنی پایداری در تعهدات، خود قوی‌ترین و ارجمندترین قید برای سالک است.

مقوله سوم، تجلی سلوک در رفتار (تجلی)

مقوله محوری تجلی سلوک در رفتار، با اختصاص کمترین سهم فراوانی در میان مراحل سه‌گانه (۲۰.۳۶ درصد از کل مضامین اخلاقی و ۳۵ مورد تکرار)، با مرحله تجلی در تهذیب نفس مطابقت دارد و نشان می‌دهد که فضایل باطنی کسب‌شده (تحلیه)، باید از خلوت دل فراتر رفته و در اخلاق عملی فرد متجلی شود.

مقوله محوری (کد اصلی)	کد فرعی (هدف اصلی)	مضامین عرفانی کلیدی	بسامد خام (تکرار)	درصد از کل مضامین اخلاقی
جمع کل مقوله ۳	-	-	۳۵	٪۲۰.۳۶
تجلی سلوک در رفتار	۳.۱. رفتار نیک و همدردی	تمجید گره‌گشایی، دلسوزی صائب، مدارای با بدن، معیار اخلاقی متقابل، تحمل بار دیگران، حلم، گشاده‌رویی، نرنجاندن افراد، ترک آزار مردم، همدلی با مردم، لزوم کمک به سائل.	۱۱	٪۶.۴۰
تجلی سلوک در رفتار	۳.۲. گفتار نیک و دوری از لغزش زبان	پاک‌زبانی، تمجید پاک‌زبانی، نکوهش سخن‌نسنجیده، نکوهش بیهوده‌گویی، نکوهش لاف‌زنی و سخن‌وری، نکوهش فتنه‌گری با زبان، نکوهش فحاشان، نکوهش بداخلاقی، کج‌خویی.	۱۲	٪۶.۹۸



۱۲۴

مقوله محوری (کد اصلی)	کد فرعی (هدف اصلی)	مضامین عرفانی کلیدی	بسامد خام (تکرار)	درصد از کل مضامین اخلاقی
تجلی سلوک در رفتار	۳.۳. حفظ حریم و دوری از تظاهر	عیب پوشی، آبروداری، ترک تزویر، نکوهش ظاهربینی، دوری از خودنمایی، نکوهش خودآرایی، نکوهش شهرت، احترام گذاشتن به پیران، پرهیز از نزاع با زیردستان.	۱۲	۶.۹۸٪

۱.۳. رفتار نیک و همدردی

این مضامین، با سهم تقریبی ۶.۴۰ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۱ مورد تکرار)، بر اهمیت نوع دوستی فعال و سازنده تأکید دارند. مفاهیمی چون تمجید از گره‌گشایی و دلسوزی صادقانه نشان می‌دهد که شفقت باید در عمل و برای رفع مشکلات دیگران به کار گرفته شود. تأکید بر گذشت از لغزش‌های دیگران و اصل «آنچه بر خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند»، مبنای تعاملات انسانی را بر همدلی و فراگیری استوار می‌سازد. همچنین، یاری‌رسانی به دیگران و گشاده‌رویی در کنار حلم بر ضرورت مدارای اجتماعی و رفتار خیرخواهانه حتی در برابر افراد خطاکار تأکید دارد. این رویکرد مبتنی بر شفقت و رفتار سازنده در آیات زیر به صورت دقیق بیان شده است:

بهبوش باش دلی را به سهو نخراشی / به ناخنی که توانی گره‌گشایی کرد (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶).

این بیت، مسئولیت اخلاقی انسان در قبال توانایی‌هایش را بیان می‌کند. شاعر هشدار می‌دهد که همان «ناخن» (توان و قدرت فرد) که می‌تواند برای آسیب‌رساندن (خراشیدن) استفاده شود، وظیفه دارد در جهت حل مشکل و خیر رسانی (گره‌گشایی) به کار رود. بنابراین، هدف سلوکی این است که تمام توان فرد به سمت سازندگی هدایت شود.

از دور نیفتد قدح بزم مکافات / زهری که چشیدن نتوانی نچشانی (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۰).

این بیت هشدار می‌دهد که پیامد رفتارهای انسان غیرقابل اجتناب است و هیچ عملی بی‌اثر



نمی‌ماند. در حقیقت، مسئولیت اخلاقی انسان ایجاب می‌کند که توانایی‌ها و قدرت خود را در مسیر خیر، سازندگی و کمک به دیگران به کار گیرد و از هر گونه زیان‌رسانی پیش‌گیری کند.

۲.۳. گفتار نیکو و دوری از لغزش زبان

این مضامین، با سهم تقریبی ۳۴.۳ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۲ مورد تکرار)، به‌روشنی نشان می‌دهند که مدیریت دقیق زبان، مهم‌ترین عرصه سلوک اخلاقی است. تأکید بر پاک‌زبانی و ستایش گفتار نیک، در تقابل آشکار با سخن‌سنجیده، بیهوده‌گویی، لاف‌زنی و فحاشی قرار دارد. این دوگانگی نشان می‌دهد که صداقت و پاکی در گفتار، فضیلت بنیادین است؛ زیرا زبان می‌تواند به منبع اصلی شر و فساد تبدیل شود. نکوهش شدید فتنه‌گری با زبان و بدخلقی، تأکید می‌کند که کنترل سخن، معیار اساسی برای سنجش سلامت باطنی و میزان پیشرفت در تهذیب نفس است. این ضرورت گفتار نیک در ابیات زیر، نتایج معنوی و عواقب اخلاقی خود را نشان می‌دهد:

ز گوهر دهد لقمه‌ات ابر نیسان / اگر چون صدف پاک‌سازی دهان را (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۵۲).

این بیت، برکت مادی و معنوی را در گرو پاکی زبان می‌داند. شاعر می‌گوید که اگر فرد دهان خود را مانند صدف، پاک و عقیف از ناپاکی‌ها و بیهودگی‌ها ننگه دارد، آنگاه روزی و بهره‌او به کیفیتی والا و ارزشمند (از جنس گوهر) می‌رسد. این مضمون بیان می‌کند که برکت آسمانی تنها نصیب کسی می‌شود که ابزار دریافت آن (زبان و دهان) را پاک و محفوظ نگه دارد.

مرا به آتش سوزنده رحم می‌آید / که زندگانی خود صرف ژاژخایی کرد (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷).

این بیت، بیهوده‌گویی (ژاژخایی) را معادل تباه‌کردن کل سرمایه عمر و نشانه غفلت و نادانی می‌داند و هشدار می‌دهد که بزرگ‌ترین مجازات برای انسان، از دست دادن فرصت زندگی در مسیر رشد و حقیقت است. در واقع، شاعر «ژاژخایی» را نه تنها گناهی زبانی، بلکه نوعی خودسوزی روحی می‌داند.

۳.۳. حفظ حریم و دوری از تظاهر

این کد فرعی، با سهم تقریبی ۳۴.۳ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۱۲ مورد تکرار)،

صداقت درونی را در برابر ریا و ظاهرسازی بررسی می‌کند. ترک تزویر، نکوهش ظاهرینی و دوری از خودنمایی و شهرت، همگی بر لزوم عمل برای خدا و دوری از جلب توجه عمومی دلالت دارند. درعین حال، عیب‌پوشی و آبروداری، نشان‌دهنده لزوم حفظ حریم اجتماعی و صمیمیت محترمانه در روابط انسانی است.

در مجموع، این مضامین به انسان می‌آموزند که سلوک اخلاقی در گرو خویش‌داری، فروتنی و صداقت است و دوری از تظاهر، شرط حفظ کرامت و آرامش در روابط انسانی به‌شمار می‌آید. این مفاهیم در ابیات زیر با تأکید بر پاکی درونی بیان شده‌اند:

خرقه تزویر را از دوش خود افکنده‌ایم / از حجاب پرده پندار فارغ گشته‌ایم (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۰).

این بیت را می‌توان بیانیه‌ای از آزادی اخلاقی و صداقت باطنی دانست. شاعر اعلام می‌کند که سالک نه تنها از ظاهرسازی و ریا (خرقه تزویر) رها شده، بلکه از دام پندار و فریب درونی (پرده پندار) نیز گذشته است. این معنا نشان می‌دهد که حفظ حریم و پرهیز از تظاهر، پیش از هر چیز، فرایندی درونی است.

۱۲۷

زود می‌پیچم بساط خودنمایی را به هم / گردبادم نیست در خاک تعلق ریشه‌ام (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰).

این بیت، بی‌علاقگی کامل از دنیا را به‌عنوان شرط اساسی برای مبارزه با ریا و خودنمایی معرفی می‌کند. فردی که به تعلقات وابسته نیست، به راحتی می‌تواند بساط خودنمایی را جمع کند و از هر فرصتی که برای تظاهر و فخرفروشی فراهم می‌شود، دست بکشد.

مقوله چهارم، ثبات قدم اخلاقی (کمال تجلی و پایداری)

مقوله محوری ثبات قدم اخلاقی، با کمترین سهم فراوانی در کل نظام اخلاقی صائب (۱۱.۶۳) درصد و ۲۰ مورد تکرار)، بر حفظ استمرار و جهت‌گیری صحیح در طول مسیر تمرکز دارد. این مقوله که مرحله کمال تجلی و پایداری است، نشان می‌دهد که فضایل کسب شده در مراحل تخلیه و تحلیل، و متجلی شده در مرحله تجلی، چگونه می‌توانند در برابر چالش‌ها و ناملایمات، پایدار بمانند. این مقوله عناصر کلیدی برای بقا و موفقیت نهایی در سلوک را مشخص می‌سازد.



مقوله محوری (کد اصلی)	کد فرعی (هدف اصلی)	مضامین عرفانی کلیدی	بسامد خام (تکرار)	درصد از کل مضامین اخلاقی
جمع کل مقوله ۴	-	-	۲۰	٪ ۱۱.۶۳
ثبات قدم اخلاقی	۴.۱. پایداری در مسیر حق	هموار شدن سختی‌ها با راه و روش درست، تحمل سختی در رسیدن به هدف، اثربخش بودن سختی کشیدن برای هدف، سختی‌های راه، عامل هدایت.	۷	٪ ۴.۰۷
ثبات قدم اخلاقی	۴.۲. امید و اتکا به حق	جبرگرایی و رضا، به فرمان خدا بودن، عظمت وصال خدا، لطف عام خدا، مناجات سحری، صدق طلب، توکل، عنایت حق کلید موفقیت.	۸	٪ ۴.۶۵
ثبات قدم اخلاقی	۴.۳. مراقبت و یقین	پشیمانی از غفلت، زیست آگاهانه، موقتی بودن عمر، افسوس بر هدر رفتن عمر، تأسف از ره نبردن به بیداری و هشیاری.	۵	٪ ۲.۹۱

۱.۴. پایداری در مسیر حق

این یافته‌ها، با سهم ۴.۰۷ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۷ مورد تکرار)، نشان می‌دهد که پایداری در مسیر، کاملاً به پذیرش و تحمل سختی‌های مداوم وابسته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پایداری در مسیر، کاملاً به پذیرش و تحمل سختی‌های مداوم وابسته است. این سختی‌ها نه مانع، بلکه با استفاده از سلوک (روش) درست، هموار شده و در واقع، به عنوان عامل اثربخش و هدایت‌گر عمل می‌کنند؛ بنابراین، راه عرفانی مسیری برای آسایش نیست، بلکه

فرایندی جدّی است که در آن مقاومت و پشتکار عملی به مهم‌ترین عنصر برای ادامه دادن و رسیدن به هدف تبدیل می‌شود. این پایداری در مسیر حق و رابطه آن با سختی‌ها در ایبات زیر به‌وضوح نشان داده شده است:

این بادیه از کاهلی توست پر از خار / از خار شود ساده اگر گرم برانی (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۰).

این بیت بر این اصل بنیادین تأکید دارد که دشواری‌ها و موانع راه (بادیه پر از خار)، نتیجه سستی و بی‌عملی (کاهلی) خود ماست. شاعر می‌گوید برای رفع این خارها، کافی است جدّی و پرحرارت به تلاش ادامه دهیم (گرم برانی)؛ زیرا همت و پشتکار عملی نیرویی دارد که می‌تواند سخت‌ترین موانع را از سر راه برداشته و مسیر را کاملاً هموار سازد. در واقع، این بیت به سالک یادآوری می‌کند که علت ناکامی‌اش را در درون خود جست‌وجو کند و با عمل مستمر، مسئولیت ساده کردن راهش را بپذیرد.

نیست ممکن یک نفس صائب به کام دل کشد / هر که را در سر هوای گوهر نایاب هست (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

۱۲۹

این بیت بیان می‌کند که وصول به هدف‌های بسیار والا و کمیاب (گوهر نایاب)، با آسایش و راحت طلبی در تضاد است. هر کس که آرزوی رسیدن به این کمالات بزرگ را در سر دارد، باید بداند که امکان ندارد حتی برای یک لحظه هم بر اساس خواسته‌های نفسانی زندگی کند. در واقع، صائب هشدار می‌دهد که مسیر طلب، یک مسیر مجاهده دائمی است.

۲.۴. امید و اتکا به حق

این کد فرعی، با سهم ۴.۶۵ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۸ مورد تکرار)، به پستوانه روحی و معنوی سالک برای پایداری در مسیر می‌پردازد. مضامینی نظیر جبرگرایی و رضا و به فرمان خدا بودن، بر لزوم تسلیم و رضایت قلبی در برابر اراده الهی تأکید دارند که منبع آرامش است. عظمت وصال خدا و مناجات سحری، هدف و ابزار معنوی حفظ انگیزه را فراهم می‌سازند. این اتکا به نیروی مافوق، منبع امید است و اطمینان می‌دهد که در موفقیت، اصل عنایت حق است. در نتیجه، پایداری، ترکیبی از تلاش مجدانه و توکل خالصانه است. این مفاهیم در ایبات زیر، بعد اعتقادی و عملی خود را نشان می‌دهند:

به عشرت ابدی برده است پی صائب / به قسمت ازلی هر دلی که خرسندست (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۷۶).

این بیت نتیجه‌گیری صائب از ارتباط میان رضایت و سعادت ابدیاست. او معتقد است که هر قلبی که نسبت به آنچه در ازل برای او مقدر شده است (قسمت ازلی) خرسند باشد، به طور قطع به عشرت (شادی و خوشی) ابدی و جاودانه دست پیدا کرده است. در واقع، صائب رضایت و تسلیم در برابر قضای الهی را تنها و قطعی‌ترین راه رسیدن به سعادت پایدار می‌داند.

ترک دست و پای کوشش کن که در میدان لاف / با همه بی‌دست و پای گوی از چوگان گذشت (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

این بیت صائب، بر مفهوم تمرکز بر اراده باطنی و نفی اتکاء به ابزارهای ظاهری در مسیر کمال تأکید دارد. شاعر توصیه می‌کند که برای موفقیت، باید از کوشش‌های بیرونی و متکی بر وسایل مادی (دست و پای کوشش) دست کشید. استدلال او این است که در این میدان، تهی بودن از ابزار و تعلقات (بی‌دست و پای)، خود تبدیل به عامل قدرت و پیشرفت می‌شود.

۳.۴. مراقبت و یقین

این مضامین، با سهم ۲.۹۱ درصد از فراوانی مضامین این مقوله (۵ مورد تکرار)، بر ضرورت آگاه ماندن و دوری از غفلت در زندگی تأکید می‌کنند. این مضامین بر ضرورت آگاه ماندن و دوری از غفلت در زندگی تأکید می‌کنند. پشیمانی از غفلت، خطر سستی و تأخیر در مسیر رشد را یادآور می‌شود. در برابر آن، سالک باید همواره هوشیار و بیدار زندگی کند. یادآوری کوتاهی عمر و حسرت بر زمان از دست‌رفته، انگیزه‌ای درونی برای بهره‌گیری بهتر از فرصت‌ها ایجاد می‌کند. در این نگاه، بی‌قراری دائمی نشانه هوشیاری و تلاش پیوسته است.

چون غنچه این بساط که بر خویش چیده‌ای / تا می‌کشی نفس همه را باد برده است (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۹۴).

این بیت یک تحلیل وجودی از ناپایداری زندگی و تعلقات دنیوی ارائه می‌دهد. شاعر بیان می‌کند که دستاوردهای دنیوی ذاتاً محدود و موقتی است. پیام این است که تا زمانی که فرد مشغول حیات و دلبستگی به این امور است، زمان (باد) به سرعت در حال گذر است و همه آن داشته‌ها به فنا می‌روند. این بیت یک هشدار جدی در باب لزوم هشیاری (یقظه) و پرهیز از غفلت از ناپایداری عمر است.

دایم به یک قرار بود بقراریم / بی طاقتی سپند مرا جسته جسته نیست (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

این بیت عمق و کیفیت بی‌قراری و اضطراب وجودی سالک را بیان می‌کند. شاعر می‌گوید که وضعیت بی‌قراری و ناآرامی او دائمی و ثابت (دایم به یک قرار) است. این ثبات در بی‌ثباتی، نشان‌دهنده شدت همت سالک و اشتیاق دائم او برای وصول به مقصود است که حتی یک لحظه نیز آرامش و توقف را برای او جایز نمی‌داند.

۵. دلالت‌های تربیتی و آموزشی مضامین اخلاقی در شعر صائب تبریزی

۱. زیرساخت سلوکی: تهذیب و مدیریت نفس (مرحله تخلیه)

۵. ۱. ۱. تواضع و فروتنی

صائب تبریزی بر نفی خود و تواضع دائمی در هر جایگاهی تأکید دارد. این اصل برای معلم راهگشاست؛ زیرا دانش بیشتر می‌تواند او را در معرض غرور قرار دهد. خداوند در قرآن خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، متواضع باش» (سوره شعرا، آیه ۲۱۵)، امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

جوای علم باشید و خود را همراه با آن به حلم و وقار بیارایید؛ و نسبت به کسی که از او علم طلب می‌کنید، متواضع و فروتن باشید» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱ ص ۱۶۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۴).

از حضرت عیسی (ع) روایت شده است: «به وسیله تواضع می‌توان حکمت را آباد کرد، نه با تکبر؛ همان‌طور که در زمین نرم می‌توان زراعت کرد، نه در کوه سخت» (قرائتی، ۱۳۹۶، ص ۵۶). این مضمون - از نظر تربیتی - می‌تواند زمینه نقدپذیری علمی را در مربی فراهم کند و موجب تسهیل همکاری و کار تیمی شود؛ زیرا با مهار غرور و منیت، هم مقاومت درونی برای پذیرش نقدهای علمی فراهم می‌گردد هم موانع اصلی کار گروهی از میان برچیده می‌شود. از طرف دیگر، تواضع و فروتنی مستقیماً به توسعه ذهنیت رشد پیوند می‌خورد؛ زیرا آمادگی برای یادگیری، در گرو پذیرش بازخورد اصلاحی و دیدن ضعف‌هاست. از این منظر، تکبر و غرور علمی به‌عنوان یک رفتار ناخواسته، مانع پذیرش این بازخوردها و در نتیجه، مانع رشد می‌شود؛ از این‌رو، از دیدگاه رفتاری، به‌جای تنبیه این غرور، باید تقویت رفتارهای متضاد (مانند پذیرش انتقاد) اثربخش‌تر است، همان‌طور که اسکینر نیز ناکارآمدی تنبیه برای حذف رفتارهای ناخواسته



۱۳۱

را تشریح کرده است (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲).

۵. ۱. ۲. قناعت و بی‌نیازی درونی

فضیلت قناعت، از طریق مدیریت نیازهای مادی و روانی، موجب عزت نفس می‌گردد؛ معلمی که نیازهای خود را مدیریت می‌کند از وابستگی به دیگران، به‌ویژه تأیید آنها رهایی یافته و می‌تواند الگوی عملی عزت نفس برای شاگردان خود باشد. این فضیلت از نظر تربیتی می‌تواند موجب تمرکز مربی بر صحت و اصالت محتوا، فارغ از تأیید دیگران شود و از این طریق، موجب تقویت استقلال فکری و پژوهشی فرد شود. در واقع، کسی که می‌خواهد در تعلیم و تربیت اثرگذار باشد، نباید خودش اثرپذیر و وابسته به چیزی باشد؛ زیرا در غیر این صورت، ناچار است به‌جای حق و حقیقت، مطابق خواست و نظر ذی‌نفعان سخن بگوید (قراتی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰-۱۳۱).

از دیدگاه آموزشی، این رویکرد به معنای تقویت انگیزه درونی است؛ زیرا قناعت بر ارزش درونی تأکید دارد. از سوی دیگر، نکوهش حرص به این معناست که محرک اصلی فعالیت فرد باید از درون او نشأت بگیرد. در این راستا، معلمان باید تکیه بر تقویت‌کننده‌های بیرونی (مانند پاداش مادی) را کاهش دهند تا دانش‌آموزان برای رضایت خاطر شخصی، کنجکاوی و لذت از کشف دانش (آزادگی از قید حرص و آرزوهای طولانی) به یادگیری بپردازند (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷).

۵. ۱. ۳. پشتکار و دوری از تن‌پروری

نکوهش تن‌آسایی و تن‌پروری که در اشعار صائب مورد توجه قرار گرفته است، بیانگر مبارزه با تنبلی و سستی است و می‌تواند موجب ایجاد انضباط شخصی شود. در دین مبین اسلام نیز تن‌آسایی بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و بر روش تحمیل به نفس توصیه شده است که باید بر اساس آن برای رسیدن به تحوّل درونی مورد نظر، اعمال ویژه‌ای را بر خود تحمیل کرد (باقری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۰۱). از نظر تربیتی این فضیلت می‌بایست با مداوت و استمرار همراه باشد؛ امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: کار اندک، که بر آن مداومت ورزی، از کار بسیار که از آن خسته شوی، امیدوارکننده‌تر است (نهج البلاغه، ص ۵۲۵).

از دیدگاه آموزشی، مفهوم پشتکار و دوری از تن‌آسانی به شکل اهمیت تمرین هدفمند و تلاش مستمر متجلی می‌شود که ریشه در قانون تمرین ثرندایک دارد. این قانون بیان می‌دارد که پیوند بین محرک و پاسخ (یادگیری) با تکرار و تمرین استحکام می‌یابد. بنابراین، دوری از



۱۳۲

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هشتم

شماره سوم

پاییز ۱۴۰۴

تن آسانی، بر لزوم فعالیت محوری و کنشگری دانش آموز در فرایند یادگیری تأکید دارد. بنابراین، نقش تلاش در یادگیری به وضوح در بحث ثرندایک آمده است (هرگهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۹۷).

۵.۱.۴. مراقبت نفس

رازداری، تأنی و خویشتن داری، به عنوان ابزارهای کلیدی، توانایی معلم را در مدیریت هیجان افزایش می دهند تا از واکنش های تکانشی و غیر حرفه ای در تعاملات حساس جلوگیری شود و با سکوت و درنگ، فضای فکری کافی برای قضاوت اخلاقی صحیح فراهم آید (قراملکی، برخورداری، و موحدی، ۱۴۰۱، ص ۴۶).

از دیدگاه آموزشی، خویشتن داری، سکوت و تأنی، دلالت بر توانایی فرد در کنترل و تنظیم رفتار خود پیش از اقدام دارد که در نظریه شناختی اجتماعی بندورا با عنوان «خودنظم دهی» پیوند می خورد. مراقبت نفس، این امکان را به دانش آموزان می دهد که بر فرایندهای یادگیری خود نظارت کرده (فرانشاخت) و رفتارشان را مدیریت کنند (هرگهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۳۶). افزون بر آن، عمل خود را با استانداردهای اخلاقی آموخته شده تطبیق دهند؛ بدین ترتیب، تأمل و سکوت، زمان لازم را برای ارزیابی و تنظیم رفتار فراهم می آورد (هرگهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۳۹).

۵.۲. بصیرت و فضایل باطنی: معرفت و روشنگری (مرحله تحلیله)

۵.۲.۱. طهارت باطن و پرهیزکاری

حیا و عفت، به عنوان فضایل درونی، محرک خودسازی و کنترل رفتار هستند. این فضایل، با افزایش تمرکز ذهنی، موجب تسهیل درک عمیق می شوند و به عنوان یک معیار تشخیص (فرقان) عمل می کنند. فرقان، موهبتی است که خداوند آن را نتیجه تقوای الهی می داند (سوره انفال، آیه ۲۹). همچنین، ضرورت برخورداری مربی از فرقان و بصیرت برای تشخیص و هدایت تربیتی، مستلزم حرکت در مسیر طاعت خدا و رسیدن به تقوا است (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

این تمرکز و انتخاب آگاهانه محتوا، در واقع، یک فرایند شناختی حیاتی در یادگیری به حساب می آید؛ زیرا طهارت باطن، با کاستن از دغدغه های ذهنی نامربوط و غیر اخلاقی، به فرد اجازه می دهد که منابع شناختی خود را صرف پردازش عمیق اطلاعات نماید و از بار شناختی اضافی که توسط محرک های مضر ایجاد می شود، جلوگیری کند. این رویکرد، با مبانی نظریه



خبرپردازی که بر فرایندهای توجه، تمرکز و مدیریت بار شناختی تأکید دارد، مرتبط است (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۵۲۸).

۵. ۲. ۲. هدف (تعالی) جویی و بصیرت معرفتی

هدفمند ساختن زندگی، انگیزه درونی فرد را تقویت می‌کند و او را از وابستگی به الزام‌ها و اجبارهای بیرونی برای تربیت بی‌نیاز می‌سازد. از طرف دیگر، برای تربیت انسان لازم است عشقی در او ایجاد شود که نیرومندتر از تمام غرایز باشد تا فرد بتواند خود را از قید و بندها رها سازد (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ص ۶۷). افزون بر این، فضیلت تعالی جویی، آموزش را به سوی معنای غایی سوق می‌دهد و آن را متعالی می‌سازد.

از دیدگاه آموزشی، وقتی تعالی جویی محور فعالیت قرار می‌گیرد، نیاز به تکیه بر تقویت‌کننده‌های بیرونی (مانند نمره یا تأیید اجتماعی) کم‌رنگ می‌شود. این اصل به این معناست که فرد باید برای رضایت ذاتی و دستیابی به کمال خود (که معادل همان انگیزه درونی است) تلاش کند و از قید حرص و آرزوهای طولانی رها شود (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷).

۵. ۲. ۳. پایداری و ثبات روحی

صبر و وفاداری (از فضایل مورد تأکید دین و صائب) برای ثبات قدم اخلاقی ضروری هستند و جلوه خاص آن، وفای به عهد است که قرآن به آن فرمان می‌دهد: «صبر کنید؛ خدا با صابران است» (سوره انفال، آیه ۴۶ و «و به عهد وفا کنید؛ زیرا از عهد مورد سؤال قرار خواهید گرفت» (سوره اسراء، آیه ۳۴) ثمرات تربیتی این فضایل شامل تقویت تاب‌آوری در برابر شکست‌های علمی و وفاداری به اصول صحیح پژوهش است؛ به طوری که صبر مانع ناامیدی از شکست می‌شود و پایداری معلم، درس استقامت به شاگردان می‌دهد (قرآنی، ۱۳۹۶، ص ۶۱). همچنین روحیه وفاداری در وی، موجب می‌گردد به تعهدات علمی خود و اصول صحیح پژوهش پای‌بند باشد بدون اینکه نیازمند الزام بیرونی یا پاسخ‌گویی به ناظرین باشد.

این ثبات و پایداری روحی، از منظر آموزشی، ارتباط مستقیم با مفهوم خودکارآمدی در نظریه آلبرت بندورا دارد؛ زیرا صبر و تحمل، به فرد اجازه می‌دهد که شکست‌های موقتی را به عوامل قابل تغییر (مانند تلاش ناکافی) نسبت دهد. این شیوه، باور به توانایی موفقیت آتی را در فرد تقویت می‌کند (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۳۱).

۳.۵. تجلی سلوک در رفتار

۳.۵.۱. رفتار نیک و همدردی

همدلی، گشاده‌رویی، گره‌گشایی، و تحمل بار دیگران، فضایل محوری اخلاقی هستند که در برخی منابع تربیتی شناخته می‌شوند (بربا، ۱۳۹۹، ص ۲۰) و زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدارا هستند. از منظر تربیتی، این فضایل، زیربنایی مستحکم برای تقویت کار گروهی و مهارت حل مسئله ایجاد می‌کنند.

از جنبه آموزشی، مفاهیمی چون گره‌گشایی و مدارا بر اهمیت یادگیری اجتماعی تأکید دارند که با نظریه شناختی اجتماعی آلبرت بندورا مرتبط است. بر اساس این نظریه، دانش‌آموزان با مشاهده رفتار نیکوی دیگران (مدل‌سازی)، مهارت‌های اخلاقی نظیر شفقت و مدارا را می‌آموزند. این مضامین، چارچوب اخلاقی لازم را فراهم می‌آورد تا کار گروهی به جای رقابت ناسالم، بر پایه شفقت شکل گیرد و کلاس به محیطی امن و سازنده برای یادگیری جمعی تبدیل شود (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۳۴).



۱۳۵

۳.۵.۲. گفتار نیک و دوری از لغزش زبان

صائب، به آفات زبان به عنوان یکی از مهم‌ترین میدان‌های نبرد اخلاقی سالک پرداخته است. این آموزه، تأییدی بر اهمیت مهار زبان و دوری از آفات آن در مسیر تربیت و خودسازی است و در مقابل بر لزوم آراستگی به صداقت در گفتار و پرهیز از سخن نسنجیده و ناصحیح تأکید دارد. از طرف دیگر، این فضایل می‌تواند موجب آموزش مهارت‌های گفتاری مؤثر و اخلاق نقد علمی، و نیز پرهیز از لاف‌زنی و اغراق در نتایج پژوهش شود. دو نکته ظریف آموزشی که متناظر با این بحث از قرآن می‌توان استنباط نمود عبارتند از: ۱. تا علم نداریم، حرفی نزنیم (سوره اعراف، آیه ۱۶۹)؛ ۲. تا علم نداریم حرفی را رد نکنیم (سوره یونس؛ آیه ۳۹؛ قرآنی، ۱۳۹۶، ص ۶۱).

آموزه مهار زبان صائب، از دیدگاه شرطی‌سازی گنش‌گر اسکینر، اصلی کاربردی در مدیریت رفتار کلامی است. این آموزه، به مربیان و افراد در محیط‌های علمی می‌آموزد که برای رسیدن به گفتار نیک و دوری از رفتارهای مخرب چون لاف‌زنی، باید یک چرخه خودکنترلی ایجاد شود. گفتار نیک، رفتاری مطلوب است که باید توسط تقویت‌کننده‌های درونی (حفظ منزلت و اعتبار علمی) تثبیت شود. در مقابل، لغزش زبان یک رفتار نامطلوب است که باید توسط تنبیه‌های

درونی (پشیمانی و آسیب به اعتبار) حذف شود. در نتیجه، این روش بر لزوم خودپایشی مستمر بر پاسخ‌های کلامی تأکید دارد تا الگوی گفتاری فرد، مطابق با استانداردهای اخلاقی شکل بگیرد و مقاوم شود (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۳۴).

۵.۳.۳. حفظ حریم و دوری از تظاهر

صداقت درونی و دوری از ریا و ظاهرسازی از دیگر فضایل مورد توجه در شعر صائب است. ترک تزویر، ذم ظاهر بینی و دوری از خودنمایی و شهرت، همگی بر لزوم عمل برای خدا و دوری از تظاهر در محیط‌های اجتماعی دلالت دارند. لزوم اخلاص و پاکسازی نیت در آموزه‌های دینی نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است (حجتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). قرآن کریم، درباره انجام اعمال برای خودنمایی تعبیر عجیبی به کار برده است: «[آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و گم شده است] در حالی که خود می‌پندارند، خوب عمل می‌کنند» (سوره کهف، آیه ۱۰۳-۱۰۴). از دیدگاه آموزشی، این مفاهیم مستقیماً با نظریه‌های انگیزشی و تقویت مرتبط می‌شوند؛ زیرا نکوهش شهرت و ظاهر بینی به این معناست که فرایند یادگیری باید بر انگیزه درونی استوار شود. این رویکرد، دانش‌آموزان را به تلاش برای یادگیری واقعی و ارزش‌های درونی سوق می‌دهد (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷). همچنین، ترک تزویر و رعایت اخلاص، یک اصل کاربردی در ارزیابی قلمداد می‌شود؛ زیرا صداقت در گزارش نتایج اشاره دارد که برای ارزیابی فرایند یادگیری و پژوهش، امری حیاتی به حساب می‌آید (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۳۹).

۵.۴. ثبات قدم اخلاقی (کمال تجلی و پایداری)

۵.۴.۱. پایداری در مسیر حق

شعر صائب بیانگر آن است که پایداری در مسیر حق، نیازمند تحمل سختی‌های مداوم است؛ زیرا از دید او دشواری‌ها مانع نیستند، بلکه عامل هدایت و رشد به‌شمار می‌آیند. بنابراین، سلوک راهی آسایش طلبانه نیست، بلکه فرایندی است که مقاومت روحی را تقویت کرده و فرد را به پای‌بندی در رعایت اصول اخلاقی و تمرین فضایل متعهد می‌سازد. در قرآن نیز عزم، کلید موفقیت و صبر نشانه آن دانسته شده است (سوره آل عمران، آیه ۱۸۶؛ سوره لقمان، آیه ۱۷؛ سوره شوری، آیه ۴۳). از منظر آموزشی، این فضیلت موجب شکل‌گیری نگرش مثبت به چالش‌های علمی می‌شود؛

به گونه‌ای که مربی شکست را بخشی از فرایند یادگیری می‌بیند و مربی نیز اجازه نمی‌دهد شکست‌ها صبر و عزم او یا شاگردش را تضعیف کند. کاربرد دیگر این آموزه در مسئله امکانات است؛ زیرا تجربه زیسته انسان‌های موفق نشان می‌دهد بسیاری از آنان با وجود کمبودها، با عزم و اراده قوی به رشد خود ادامه داده و به دستاوردهای بزرگ رسیده‌اند (قرائتی، ۱۳۹۶، ص ۶۷).

از طرف دیگر، آموزه تاب‌آوری، با مفهوم «مقاومت در برابر خاموشی» در نظریه شرطی‌سازی گنشگر اسکینر مرتبط است. در این دیدگاه، پایداری معلم زمانی تقویت می‌شود که بداند پاداش همیشگی نیست، اما با وجود آن به تلاش ادامه دهد؛ رفتاری که به ثبات اخلاقی و شغلی او می‌انجامد (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵).

۵. ۴. ۲. امید و اتکا به حق

ارتباط پیوسته و عاشقانه با حق، پشتوانه‌ای روحی و معنوی برای سالک در مسیر پایداری است و زمینه‌ساز تاب‌آوری، آرامش درونی و رهایی از ناامیدی و بدبینی می‌شود. از منظر تربیتی، این ارتباط موجب تقویت امید، افزایش انگیزه درونی در فعالیت‌های علمی و کاهش اضطراب عملکرد از طریق اتکا به مشیت الهی است. معلم نیز باید به دانش‌آموز نشان دهد که اگر تلاش‌هایش را در راستای رضای خدا جهت دهد، درهای معرفت الهی به روی او گشوده شده و با شرح صدر بر دشواری‌ها فائق می‌آید (حجتی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۲).

از دیدگاه انسان‌گرایانه مزلو، این پیوند با حق با سطوح بالای نیازهای انسانی مرتبط است. توکل و ارتباط معنوی، احساس امنیت درونی ایجاد کرده و فرد را از وابستگی به نیازهای سطحی و اضطراب‌آور می‌رهاند. چنین پشتوانه‌ای شغل معلمی را معنادار ساخته، انگیزه درونی او را به سوی رشد و خودشکوفایی سوق می‌دهد. در نتیجه، معلم به جای نگرانی از قضاوت دیگران یا ناکامی‌های بیرونی، با آرامش بر شکوفایی توانایی‌های تدریسی خود تمرکز می‌کند؛ رویکردی که از فرسودگی شغلی پیش‌گیری کرده و پایداری او را در مسیر تربیت تقویت می‌نماید (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۳۷۲).

۵. ۴. ۳. مراقبت و یقین

آموزه صائب، پرورش هشیاری و بیداری دائمی را هدف اصلی سلوک اخلاقی معلم معرفی



۱۳۷

بررسی و تحلیل نظام اخلاقی صاحب تئوری و دلالت‌های آموزشی-تربیتی آن

می‌کند و او را از گرفتار شدن در عادت، روزمرگی و غفلت حرفه‌ای که موجب افت کیفیت کار و از دست رفتن فرصت‌های تربیتی می‌شود، باز می‌دارد. در عمل، مراقبه موجب می‌شود معلم نسبت به پیامدهای اخلاقی و تربیتی رفتار خود حساس شود، عملکردش را به‌طور مداوم ارزیابی کند و انگیزه و نشاط درونی خود را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی حفظ کند (قراملکی، برخورداری، و موحدی، ۱۴۰۱، ص ۶۴). از منظر نظریه شناختی اجتماعی آلبرت بندورا، آموزه مراقبه و هشیاری دائمی، معلم را وادار می‌کند تا معیارهای اخلاقی و عملکردی را درونی کند و از طریق ناظر درونی، رفتار خود را به صورت مستمر ارزیابی کند. در این فرایند، معلم هنگام عملکرد شایسته با تقویت درونی (مانند احساس نشاط و حفظ منزلت) به خود پاداش می‌دهد و هنگام غفلت یا روزمرگی، با تنبیه درونی (مانند نارضایتی)، رفتار خود را اصلاح می‌کند. این چرخه خودتقویتی موجب می‌شود که تعهد و استمرار معلم مستقل از کنترل‌های بیرونی حفظ شود و او در برابر فرسودگی شغلی و انحرافات اخلاقی مقاوم بماند (هرگنهان و السون، ۱۳۷۴، ص ۴۴۱).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف استخراج، مقوله‌بندی و سازماندهی نظام اخلاقی صائب تربیتی از طریق تحلیل محتوای کیفی و تبیین دلالت‌های آموزشی و کاربردی آن در چارچوبی تلفیقی (تربیت اسلامی و نظریه‌های یادگیری) انجام گرفت. نتایج نشان داد که مضامین عرفانی و اخلاقی در اشعار صائب، تصادفی نبوده و از یک ساختار سلسله‌مراتبی، پویا و منسجم پیروی می‌کنند که می‌توان آن را به چهار مقوله محوری سازماندهی کرد که پیوندی قوی با مراحل سه‌گانه سلوک (تخلیه، تحلیه، تجلی) در عرفان اسلامی دارد.

۱.۶. تحلیل ساختار نظام اخلاقی صائب

تحلیل کیفی مضامین نشان داد که نظام اخلاقی صائب، دارای یک منطق درونی قوی و علی و معلولی است:

مقوله اول: مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس (تخلیه): این مرحله بر پاک‌سازی درونی و حذف رذایل تأکید دارد که شامل تواضع و فروتنی، قناعت و آزادگی، پشتکار و دوری از

تن‌پروری و مراقبت نفس است. این مقوله، زیرساخت روانی و انگیزشی لازم را برای حرکت به سمت فضایل فراهم می‌آورد و بدون آن، هیچ فضیلت‌پایداری ممکن نیست.

مقوله دوم: بصیرت و فضایل باطنی (تحلیه): پس از پاکسازی، سالک به آراستن نفس به فضایل اصلی می‌پردازد. این مرحله شامل طهارت باطن و پرهیزکاری، تعالی جویی و بصیرت معرفتی، و پایداری و ثبات روحی (صبر و وفاداری) است که به فرد، بینش و هدفمندی لازم را برای سلوک اعطا می‌کند.

مقوله سوم و چهارم: تجلی سلوک در رفتار و ثبات قدم اخلاقی (تجلی و ثبات): این دو مقوله، خروجی‌های عملی نظام اخلاقی صائب در تعاملات اجتماعی و دوام اخلاقی فرد هستند. این فضایل عملی (مانند گره‌گشایی و پاک‌زبانی) و عناصر ثبات (مانند امید و اتکا به حق و مراقبت دائمی) نشان می‌دهند که اخلاق‌ورزی در دیدگاه صائب، صرفاً یک امر درونی نیست، بلکه نیازمند تعهد عملی مداوم در تمام ساحت‌های زندگی است.

این یافته، نظریات پیشین را که غالباً به صورت توصیفی و تک‌مضمونی به شعر صائب پرداخته بودند، تکمیل می‌کند و ثابت می‌کند که شعر او نه مجموعه‌ای از نکات اخلاقی پراکنده، بلکه یک الگوی تربیتی جامع و مرحله‌ای است.

۲.۶. جمع‌بندی دلالت‌های آموزشی و تربیتی

تطبیق نظام اخلاقی صائب با اصول تربیت اسلامی و نظریه‌های روان‌شناسی یادگیری، دلالت‌های کاربردی مهمی را برای محیط‌های آموزشی فراهم آورد:

فضیلت محوری صائب	دلالت آموزشی-تربیتی	پیوند با نظریه‌های یادگیری
۱.۱. تواضع و فروتنی	تقویت نقدپذیری، تسهیل کار تیمی و توسعه ذهنیت رشد در فضای آموزشی.	رفتارگرایی (اسکینر): تقویت رفتارهای متضاد (مانند پذیرش انتقاد) به جای تنبیه مستقیم غرور.
۱.۲. قناعت	تقویت انگیزه درونی، رهایی از مدرک‌گرایی و تمرکز بر	شرطی‌سازی کنشگر: کاهش وابستگی به تقویت‌کننده‌های بیرونی (مانند نمره یا پاداش)



فضیلت محوری صائب	دلالت آموزشی - تربیتی	پیوند با نظریه‌های یادگیری
و بی‌نیازی	ارزش ذاتی دانش به جای پاداش بیرونی.	مادی) برای تقویت انگیزه درونی.
۱.۴. مراقبت نفس	توسعه خودنظم‌دهی و فراشناخت در دانش‌آموزان و مدیریت هیجان در مربیان.	شناختی-اجتماعی (بندورا): توانایی نظارت بر فرایند یادگیری و تنظیم رفتار مطابق با استانداردها و معیارهای اخلاقی درونی.
۲.۳. پایداری و صبر	تقویت تاب‌آوری و خودکارآمدی در مواجهه با شکست‌های تحصیلی و علمی.	شناختی-اجتماعی (بندورا): نسبت دادن شکست به عوامل قابل تغییر (مانند تلاش ناکافی) برای حفظ باور به موفقیت آتی.
۳.۲. گفتار نیک	آموزش اخلاق نقد علمی، پرهیز از لاف‌زنی و اغراق در نتایج و ایجاد فضایی برای ارتباطات مؤثر.	شرطی‌سازی گُش‌گر (اسکینر): ایجاد خودپایشی و چرخه تقویت/تنبیه درونی برای مدیریت رفتار و گفتار کلامی (اخلاق نقد).
۴.۲. امید و اتکا به حق	تقویت آرامش درونی، کاهش اضطراب عملکرد و معنادار کردن تلاش و حرفه معلمی با تأکید بر هدف‌گذاری.	انسان‌گرایی (مزلو): تأمین امنیت درونی و روانی از طریق اتکا به منبعی پایدار و سوق دادن فرد به خودشکوفایی (سطوح بالای نیاز).

۳.۶. نتیجه‌گیری نهایی و پیشنهادها

نظام اخلاقی صائب تربیزی، یک نقشه راه کامل و یکپارچه برای تربیت اسلامی است که مراحل سه‌گانه تخلیه، تحلیه و تجلی را با دقت و جزئی‌نگری تشریح می‌کند. ساختار چهار مرحله‌ای استخراج‌شده، سلسله‌مراتب تهذیبی را تأیید می‌کند؛ به‌گونه‌ای که تمرکز اصلی بر مراحل درونی و زیربنایی است. این ساختار شامل مقوله مبانی تربیت اخلاقی و تهذیب نفس (تخلیه) با ۳۴.۳۰ درصد، بصیرت و فضایل باطنی (تحلیه) با ۳۳.۷۲ درصد، تجلی سلوک در رفتار

(تجلی) با ۲۰.۳۶ درصد و ثبات قدم اخلاقی (کمال) با ۱۱.۶۳ درصد از کل مضامین است. این ساختار نه تنها از نظر عرفانی و اخلاقی غنی است، بلکه کاملاً با مفاهیم انگیزه درونی، خودنظم‌دهی، خودکارآمدی و تاب‌آوری در نظریه‌های یادگیری معاصر منطبق است. این هم‌پوشانی نشان می‌دهد که می‌توان از ادبیات کلاسیک فارسی به عنوان منبعی غنی و کاربردی برای تدوین برنامه‌های درسی با هدف تربیت اخلاقی و اجتماعی در سیستم‌های آموزشی نوین بهره برد. در راستای تکمیل این پژوهش، پیشنهاد می‌شود یک بسته آموزشی-تربیتی مبتنی بر ساختار چهار مرحله‌ای اخلاقی صائب طراحی و پس از اجرا، تأثیر آن بر متغیرهای حیاتی مانند تاب‌آوری و انگیزه درونی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار گیرد تا جنبه کاربردی این الگو به اثبات برسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه. (۱۴۲۴ق). (تصحیح: صبحی صالح)، قم: دارالحديث.

باقری، خسرو. (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. (ج ۱). تهران: مدرسه.

بُریا، میشل. (۱۳۹۹). کلیدهای پرورش هوش اخلاقی در کودکان و نوجوانان. تهران: صابرین.

حجتی، محمدباقر. (۱۳۹۰). آداب تعلیم و تعلم در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسن‌پورآلشتی، حسین. (۱۳۸۴). طرز تازه سبک‌شناسی غزل سبک هندی. تهران: سخن.

خدابخش اسداللهی، اسدالله. (۱۳۸۸). سیری در مضامین عرفانی اشعار صائب. ادبیات عرفانی و

اسطوره‌شناختی. ۱۶، ۶.

خوانساری، محمد امین. (۱۴۰۱). ارزیابی نظریه و رویکرد وظیفه‌گرایانه کانت از منظر اخلاق اسلامی.

فصلنامه اخلاق پژوهی، ۵، ۲.

صبور، داریوش. (۱۳۸۴). آفاق شعر فارسی. تهران: زوار.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات در ایران. (ج ۵). تهران: فردوس.

صفایی حائری، علی. (۱۳۸۲). مسئولیت و سازندگی. قم: لیل‌القدر.

طهماسبی، فریدون؛ جبارپور، حسین. (۱۳۹۳). بازتاب تعلیمی مثل‌ها در دیوان صائب تبریزی. تحقیقات

تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ۱۹، ۶.

عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی بن احمد. (۱۴۰۹ق). منیة المرید فی آداب المفید و المستفید. قم:



مکتب العالم الاسلامی.

غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی.
فرامرز قراملکی، احمد؛ برخوردار، زینب؛ موحدی، فائزه. (۱۴۰۱). اخلاق حرفه‌ای در مدرسه. تهران:
مجنون.

فرانکنا، ویلیام، کی. (۱۳۹۳). فلسفه اخلاق (ترجمه: هادی صادقی)، قم: کتاب طه.
فقیهی، حسین؛ جوادی، آرزو. (۱۳۹۱). اتحاد و همدلی در اشعار صائب تبریزی. پژوهشنامه ادبیات
تعلیمی، ۴، ۱۵.

فقیهی، حسین؛ نظری نوکنده، نیره. (۱۳۸۷). مضامین عرفانی در غزلیات صائب. پژوهش زبان و ادبیات
فارسی، شماره ۱۰.

قرائتی، محسن. (۱۳۹۶). مهارت معلمی. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قهرمان، محمد. (۱۳۸۶). برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی. تهران: سمت.
کانت، ایمانوئل. (۱۳۷۸). درس‌های فلسفه اخلاق (ترجمه: منوچهر صانعی)، تهران: نقش و نگار.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

میرصانع، سید محمد باقر؛ صادقی، هادی. (۱۳۹۸). اخلاق فضیلت منظری قرآنی. فصلنامه اخلاق
پژوهی، ۲، ۴.

نصرتی، عبدالله؛ هوشیار، علی (۱۳۹۴). مضامین مشترک عرفانی در مثنوی معنوی و دیوان صائب. عرفان
اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۱، ۴۳.

هرگنجان، بی‌آر؛ اولسون، متیو. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری (ترجمه: علی اکبر سیف). تهران:
دوران.

هینمن، لارنس. (۱۳۹۸). اخلاق: رویکردی کثرت‌گرایانه به نظریه اخلاق (مترجم: میثم غلامی). تهران:
نشر کرگدن.



۱۴۲

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی | سال هشتم | شماره سوم | پاییز ۱۴۰۴